

چهارشنبه ۷ اسفند ۱۳۹۸ ۲۰ رجب ۱۴۴۱ • ۲۶ فوریه ۲۰۲۰

انتخابات مجلس، خبر فوت شجریان و کرونا؛ سه هشدار برای دوران جدید



سالی رونق داشت اما به تدریج همراه با فرآیند سیاست‌زدایی جامعه در دولت مستقر و همین طور تحت تأثیر عوامل دیگری مثل دستگیری باند آمدنیوز و... به تدریج جو سیاسی در تلگرام کمی فروکش کرد. اگرچه تلگرام از هر دوره تومشای نیز برای خود برمی‌داشت و همان‌طور که هیچ گاه از فضای سرگرمی و تفریح بیرون نرفت؛ شمایل سیاسی‌شده خود را نیز حفظ کرد.

اما آنچه این روزها در دوران سوم تأثیر تلگرام بر فضای عمومی جامعه جریان دارد، توجه تام و خاص تلگرام و کانال‌های پرطرفدار به مسائل اجتماعی حساسیت‌برانگیز پیرامون‌مان است. طبیعی است که این دوره‌ها متناسب با تغییرات جامعه ایرانی شکل گرفته‌اند و بدیهی است که معتقد نیستیم که به شیوای رازآمیز دست پشت پرده‌ای همه کانال‌های مشهور و پرطرفدار را اداره می‌کند. اما در هر صورت آنچه‌امروز به آن روبرو هستیم ذهن تلگرام‌زده‌ای است که دیگر زیاد حوصله سیاست‌بازی به معنای مرسوم آن را ندارد؛ طرفداران دوگانه اصلاح‌طلب و اصولگر، دیگر نمایشی فراگیر در تلگرام ندارند و بحث‌های انتخاباتی انتخابات اخیر نیز به شکلی کم‌رنگ دنبال می‌شد و بخشی از آذهان ایرانی پرایشان چندان مهم نبود که چه کسی رأی بیاورد یا نبیاورد؛ حالا دیگر چیزهای دیگری مهم هستند مثل خبر فوت شجریان.

این دوره‌ها متناسب با تغییرات جامعه ایرانی شکل گرفته‌اند و بدیهی است که به شیوهای توهمی دست پشت پرده‌ای همه کانال‌های مشهور و پرطرفدار را اداره نمی‌کند. اما در هر صورت آنچه امروز به آن روبرو هستیم ذهن تلگرام‌زده‌ای است که دیگر زیاد حوصله سیاست‌بازی به معنای مرسوم آن را نداردبه شکلی شگفت‌انگیز تعدادی از شهروندان تهرانی به محض شنیدن خبر درگذشت محمدرضا شجریان؛ مشهورترین خواننده ایرانی به روبروی بیمارستان محل بستری او می‌ریزند و با داد و پرخاش حتی به پسرش هم می‌خوانند اثبات کنند که دروغ می‌گویند و شجریان فوت کرده است. چرا؟ چون در تلگرام خوانده‌اند. به یکباره ۸۰ درصد مردم در کوچه و خیابان ماسک یکبار مصرف می‌زنند؛ چون در تلگرام خوانده‌اند که ویروس دهه روز قبل وارد ایران شده است و همه مبتلا به کرونا شده‌اند و این ماسک‌ها

وقایع پشت سر هم اتفاقی می‌افتد. سال ۹۸ گویا پایان‌پذیر نیست. دورانی جدید برای ما ایرانی‌ها آغاز شده است و نشانه‌های هشداردهنده این دوران حالا از دور هم مشخص است.

وارد دوران تازه‌ای شده‌ایم.اما تعدد حوادث تلخ و ظاهرا بی‌پایان سال ۹۸ و سرعت بالای رخ دادن یکی بعد از دیگری شاید توجه ما را از تمرکز بر مختصات بن دوران جدید دور کند. هنوز وارد تحلیل یکی ندیده‌ایم دیگری رخ نشان می‌دهد و تا می‌آییم دقیق‌تر به حادثه جدید نگاه کنیم باید آستین‌ها را برای حادثه بعدی بالا بزنیم. این سال فراموش‌نشدنی ایرانی‌ها، علاوه بر همه اتفاقات غلابه عجیب تلخ و متاثرکننده؛ تأثیرات نادیده‌ای هم بر روی فرهنگ عمومی جامعه ایرانی‌ها داشت؛ نشانه‌هایی بزرگ برای تحلیل آنچه فرهنگ عمومی ایرانی در دوران جدید درگیر آن شده است. تغییراتی توفاندی نامی‌شده که سه اتفاق خاص این روزها

بیشتر می‌توانند برای شناخت آنها راهنمایی‌مان کنند. سعی می‌کنیم با این چند نشانه نشان دهیم که فرهنگ عمومی ایرانی‌ها، متاثر از حوادث سال ۹۸ چگونه در حال تغییر است.

ذهن تلگرام‌زده؛ دوران هیجانات زودگذر؛ بدون حوزه عمومی

ذهن ایرانی کماکان و با شدت بیشتری به پدیده‌ای به نام تلگرام کاملاً وابسته است. به این ترتیب که به تدریج راهنمای عملی برنامه هر روزش را بر مبنای آنچه در تلگرام می‌بیند و می‌خواند تنظیم می‌کند. با دقت و تأمل بر روی تاریخ حضور تلگرام در ایران به نظر می‌رسد که امروز با صراحت بیشتری بتوان گفت که ما هم‌اکنون در حال ورود به مرحله سوم تأثیر تلگرام بر فضای عمومی کشور هستیم.

در مرحله اول حضور تلگرام ما عمدتاً با جریان‌ها و پدیده‌ها و اتفاقات غیرسیاسی روبرو بودیم. گویند تلگرام در آن دوره بی‌اعتنایی به اتفاقات سخت روز را مزیت خود می‌دانست. تشکیل گروه‌های خانوادگی و همین‌طور دوستانه و رد و بدل کردن عکس و فیلم از لحظات مختلف زندگی و خاطره سازی و همین طور ایجاد کانال‌هایی با کمترین بار جدیت در فضای رسمی بیشترین طرفدار را داشتند. روش استفاده ایرانی‌ها از تلگرام به این ترتیب بیشتر به اموری غیرسیاسی و سرگرم‌کننده از طریق ارسال عکس، گیف و ویدئو اختصاص پیدا می‌کرد.

در دوره دوم تأثیر تلگرام در ایران که با فیلتر این تره‌افزار پیام‌رسان هم‌زمان بود استفاده سیاسی از این ابزار پرطرفدار به شدت رونق گرفت. در یکی دو انتخابات تلگرام عنصر تعیین‌کننده‌ای برای رأی‌آوری شناخته شد؛ یک تجمع با هادایت تلگرام شکل گرفت و به همین ترتیب به تدریج استفاده سیاسی از این تره‌افزار جای خود را در سه سپهر رسانه‌ای ایران باز کرد. در همین دوره پدیده‌ای به نام «مدتیوز» و مشابه آن شکل گرفت. فضای به شدت سیاسی‌شده‌ای در تلگرام رونق گرفت و خیلی‌ها سعی کردند نقش صدای فروخته ملت ایران در فضای سیاسی رسمی را بازی کنند و البته به پیروزی‌هایی مقطعی نیز دست یافت.

دوران دوم تأثیر تلگرام در جامعه ایرانی چند

بازی رایانه‌ای صنعت نیست

«فرهنگ» در هیچ حوزه‌ای جایگاه ندارد

بازی رایانه‌ای در ایران به‌طور فزاینده‌ای در حال گسترش است.

و جامع جهت آموزش و رشد استعدادهای موجود در این حرفه است برطرف نشده است. شاید بتوان نمونه‌هایی که توانستند در بازار ایران موفق باشند را اشاره کرد ولی تعدادشان بسیار کم است و با توجه به این موضوع می‌توان به نکته مهمی دست پیدا کرد که حتی بازی‌سازی برای بازار داخلی، علی‌رغم شناخت بیشتر سازندگان بازی از مخاطبان داخلی هم کار ساده‌ای نیست.

بنابراین، اگر بازی‌سازان توانستند در بازار داخلی موفق بشوند، باید بعدی ورود به بازار خارج از ایران است که البته آن هم به دلیل مشکلات و عدم وجود زیرساخت‌های مورد نیاز کار بسیار سختی خواهد بود.

با توجه به پتانسیل بالایی که فرهنگ ایرانی- ملی ما دارد،

می‌توانیم شاهد ایده برداری و تأثیر گرفتن بازی‌های رایانه‌ای

از آن جایی که ایندیکه عناوین مختلفی در این سال‌ها سعی

در الگوبرگیزی از داستان‌ها یا معماری ایرانی- اسلامی بوده‌اند.

چه بسا که موفقیت‌هایی نیز کسب کرده‌اند. یکی از بخش‌های مهمی که بازی‌ها می‌توانند اثرگذار باشند، خصوصا اگر بومی

شده باشند یا توسط افراد بومی ساخته شده باشند، آموزش است.

از آنجایی که در بازی‌های رایانه‌ای سطح تعامل با مخاطب در

بالاترین حالت ممکن است، بازی به مثابه بهترین ابزار آموزش و

یادگیری است. با این اوصاف می‌بینیم که بسیاری از بای‌سازان

در زمینه به‌کارگیری فرهنگ در بازی‌های رایانه‌ای به سختی از

این حوزه بهره‌مند می‌شوند و علاقه چندانی برای استفاده از آن

ندارند.

بازی‌های ویدئویی یک نیاز انسانی و فرهنگی است

«محمد زهتایی»، سازنده بازی «پسر خوانده و ارتش فرا زمینی» درباره شرایط بازی‌سازی در کشور می‌گوید: با توجه به

شرایط اقتصادی برای کل کشور و به‌ویژه صنعت بازی رشد چند سال اخیر صنعت بازی ایران در سال جاری تکرار نشده با توجه

به این شرایط، از نظر من بازی‌سازهای ایرانی دو دسته هستند:

تیم‌هایی که روی بازار داخلی تمرکز می‌کنند و تیم‌هایی که روی

بازار خارجی تمرکز می‌شوند. کسانی که در این شرایط قابلیت

فعالیت در بازار خارجی را دارند، مسلماً کار برای آن‌ها به طری چند

برای بازار داخلی ترجیح می‌دهند. با توجه به این‌که طی چند

سال اخیر ترند صنعت بازی به سمت بازی‌های سبک هایپرکژوال

و بتل رویال رفته، بازی‌سازهای ما نیز بیشتر به همین سمت

کشیده شده‌اند؛ البته چون ساخت بازی‌های بتل رویال از نظر

فنی پیچیده‌تر است و نیاز به جذب مخاطب بسیار دارد، تیم‌های

زیادی در ایران سراغ این سبک بازی نرفته‌اند. اما بازی‌های

هایپرکژوال چون منچ و مارپله بیشتر فراگیر شده‌اند و پیش‌بینی

می‌شود که امسال نیز بیشتر از این سبک بازی‌ها ببینیم.

او ادامه می‌دهد: ما شرکت‌های متفاوتی با روند کاری

متفاوت در کشور داریم که برای برخی این مساله صدق می‌کند

و برای برخی دیگر خیر. در هر صورت، برای حفظ تیم‌ها اکثراً

مجبور می‌شوند کارکنان کمتری را به کار بگیرند و تیم‌های خود

را کوچک‌تر کنند. همان‌طور که اشاره شد، حجم معاملات و

تولید صنعت بازی با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی کمتر

روزنامه‌صبح ایران

انتخابات مجلس، خبر فوت شجریان و کرونا؛ سه هشدار برای دوران جدید

یک گفتگوی دوستانه خیلی زود طرفین را به جوش آمدن و برخورد فیزیکی می‌کشاند و همین است که دیگر هیچ حوزه عمومی پرقدرتی در جامعه ایجاد نمی‌شود. حوزه عمومی پشت صفحات موبایل‌های دیجیتال‌ی شده و با رعایت سلسله مراتب قدرت در آنجا به شیوهای ناقص و بی‌اعتنا به واقعیت شکل می‌گیرد.

امر سیاسی به دلیل جدیت آن به تدریج به امری نازل و غیرجذاب تبدیل می‌شود و نه‌اپنا اینکه است که امسال تعداد کسانی که برای انتخابات در یک نقطه از تهران جمع شدند کمتر از کسانی بود که روبروی بیمارستان جم جمع شدند. چه مرغ سحری می‌خوانند برای بیماران ترسیده و از خواب پریده نیمه شب بیمارستان... موبایل‌ها به دست، دکمه‌های رکورد زده و لایوهای اینستاگرام و ویدئوهای تلگرام آماده.

پسر شجریان هم درباره فوت پدرش دروغ می‌گوید

ضربه‌ای که یک اشتباهه استراتژیک رسانه‌ای در دی ماه سال جاری به اعتماد عمومی زد در تاریخ ایران می‌ماند، هوپیمایی به اشتباه هدف نیروهای پدافند کشوری قرار گرفت و ۱۷۰ نفر کشته شدند. اما تا سه روز همه رسانه‌ها و چهره‌های رسمی نظام از سقوط هوپایما سخن می‌گفتند و سرانجام معلوم شد واقعیت ماجرا کاملاً خلاف روایت رسمی ماجرا بوده است. واقعیت بلافاصل و ترسانا ماجرا این است که برخی از مردم که تعدادشان خیلی هم کم نیست حالا به در و دیوار این کشور بی‌اعتماد شده‌اند. هر آنچه از رسانه‌های رسمی مطرح شود را در درجه اول یک توطئه از سوی حاکمیت می‌خوانند در جهت تأمین بیشتر منافع خودشان و هر خبری که در روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها و رادیو و تلویزیون دیده می‌شود باید به محک فراگیری در تلگرام زده شود تا تأیید گردد.

ذهن آنها به تدریج در حال تبدیل به ذهنی است که همه چیز را فریبی در جهت کاهش منافعش می‌بیند و سدی به بلند یک تاریخ چهل ساله میان خود و حاکمیت می بیند و امروز در تصمیمات و اتفاقات قبلی هم به شدت تردید می‌کنند.ذهن ایرانی متصل به تلگرام حالا برای ادعاهای قبلی خود یک سند غیرقابل‌اعضای پیدا کرده است: ماجرای سقوط هوپایما اوکراینی و هر آنچه در زمینه احتمال صداقت به او گفته شود؛ همه را به همین هوپایما حواله می‌دهد و دیگر گفتگویی در کار نیست.

نتیجه فزوری و صریح و بی‌واسطه این بی‌اعتمادی عمومی در انتخابات اخیر و کاهش بی سابقه میزان مشارکت دیده شد. اما نتیجه پایدار این بی‌اعتمادی بسیار خطرناک‌تر است و به این زودی‌ها این سرزمین را رها نخواهد کرد.

دوستاندار شجریان به دکتر و رئیس بیمارستان و حتی به پسر و دختر خود شجریان هم اعتماد ندارند و فریادهای دروغ‌دروغ‌گوی آنها فضای مقابل بیمارستان جم را پر می‌کند. آنها به واقع معقدند که شجریان فوت کرده است اما حکومت به هر دلیلی نمی‌خواهد آن را اعلام کند و همه این افراد هم بازی‌خورده یا دست‌نشانده

حکومت هستند که در حال نقش بازی کردن هستند.

همه خیال می‌کنند کرونا ده‌ها برابر تلفات داشته است و خطرش از آنی که می‌گویند جدی‌تر است. بنابراین به توصیه‌های رسمی برای کنترل جمعی بیماری توجهی نمی‌کنند و هر کس تنها به فکر خویش است. دقیقاً در این فضاست که جا برای اخباری همچون احتکار ماسک در یک داروخانه یا برخورد نه چندان مناسب مسئولین بیمارستان‌ها با بیماران با می‌شود.فاز دوم بی‌اعتمادی مردم به حاکمیت بی اعتمادی مردم به مردم است.

کمیت دمی زنم و همه گوش دهید

آنهایی که آن شب تاریخی مقابل بیمارستان جم شدند جدا از آنکه ساعت ۲۴ پامداد مقابل شیشه‌های یک بیمارستان که حتماً بیماران در حال استراحت دارد آوازخوانی راه انداختند، کارهای دیگری هم کردند. مثلاً اینکه به سختی اجازه حرف زدن به کس دیگری را می‌دادند. خشمگین و عاصی از خبری که به آنها رسیده بودند دنبال مقصر بودند تا همه چیز را بر سرش خالی کنند. آنها بارها و بارها در حرف کاذب که مشغول توضیح دادن به ابهام آنها بودند پریدند و بارها و بارها با فریادهای زننده‌ای صحبت‌های آنها را قطع کردند.

جنس و سن و ظاهر تجمع‌کنندگان مقابل بیمارستان جم نشان می‌داد که جوانان طبقه متوسط شهری هستند که بهانه‌ای دیگر هر چند کوچک‌تر برای شوریدن پیدا کرده بودند: حتماً تقصیر کسی است. خشمگین‌ها رأی نمی‌دهند و فقط اعتراض می‌کنند و آنها خشمگین‌اند.

جنس و سن و ظاهر تجمع‌کنندگان مقابل بیمارستان جم نشان می‌داد که جوانان طبقه متوسط شهری هستند که بهانه‌ای دیگر هر چند کوچک‌تر برای شوریدن پیدا کرده بودند: حتماً تقصیر کسی است. خشمگین‌ها رأی نمی‌دهند و فقط اعتراض می‌کنند و آنها خشمگین‌انداین ماجرا بی پایان است. دو روز پیش چند بیمار مشکوک به کرونا را از شهر رشت به تالش منتقل کردند احتمالاً به دلیل شلوغی بیمارستان رشت. اما در این میان ده‌ای از جوانان اهل تالش جلوی بیمارستان جمع شدند و شروع به اعتراض و فریادکشیدن کردند. چرا؟ چه اتفاقی رخ داده بود؟ چند هموطن آنرا به بیمارستان شهر آنها آمده بودند تا درمان شوند. باورنکردنی است اما جوانان دنبال مقصر، مقصر را یافته بودند و دیگر کوتاه نمی‌آمدند. ماجرا با شلیک گاز اشک آور پلیس به اتمام رسید. اگر دستشان به

بیماران می‌رسید چه می‌کردند؟

همه ماجرا اینجا نیست

این البته همه ماجرا نیست. فرهنگ عمیق و غنی ایرانی به این زودی‌ها و با این اتفاقات دگرگون نمی‌شود. کافی است به تلاوری، فداکاری و از خودگذشتگی بی‌سابقه پرستاران و پزشکان بیمارستان‌هایی که بیماران کرونازده به آنجا منتقل می‌شوند و همین طور اقدام چند شهروند در مغازه‌هایشان برای توزیع ماسک رایگان و اتفاقات شیرین دیگری که این روزها در تلگرام و دیگر شبکه‌های اجتماعی ضریب نمی‌گیرد و دیده نمی‌شود؛ دقت کنید.



می‌شوند.

او می‌گوید: کار دیگری که برای مثال بنیاد می‌تواند انجام

دهد، ایجاد زیرساخت برای معرفی راحت بازی‌های خوب

ایرانی به مردم و مخاطبان است. ایجاد این زیرساخت می‌تواند

از طریق راه‌های مختلف تبلیغاتی، رایزنی با شهرداری، رایزنی

با صداوسیما، برگزاری نمایشگاه انجام شود. کارهای دیگری از

قبیل راه حل برای انتقال ارز، حمایت از شرکت‌های فعال در

بازار خارجی برای شرکت در نمایشگاه‌های خارجی نیز از دیگر

اموری است که بنیاد می‌تواند در دستور کار حمایتی خود قرار

دهد. در واقع، در صنعت بازی کشور می‌توانیم هرمی داشته

باشیم که از پایین به بالا می‌تواند شامل این موارد باشد: آموزش،

شرکت‌های منتمرکز بر بازار ایران و شرکت‌های منتمرکز بر بازار

خارجی. به نظر من، شمای این هرم و پیاده‌سازی و مرتبط کردم

اجرای آن با یکدیگر می‌تواند برنامه‌ای جامعه و توسعه‌دهنده

برای صنعت بازی کشور باشد.

بازی‌های ویدئویی نوظهورترین ابزار یا مدیا ارتباطی هستند

و در این چند دهه موفق شدند تا بیش از دیگر رسانه‌ها فراگیر

شوند. اما دولتمردان هنوز اعتقادی به بازی‌های رایانه‌ای ندارند

و در دستور کارشان قرار ن داده‌اند و توجه‌ای به این حوزه نشان

نمی‌دهند، آنان بازی‌رایانه‌ای را بیشتر سرگرمی می‌دانند و گاه

برای کودکان و نوجوانان مضر، از همین‌رو جای تعجب است!ا

بسیاری از بازی‌سازان در این زمینه از حمایت‌های ناقص و گاه

نبود حمایت شکایت دارند.

یک نفره بازی می‌سازم

«محسن مجیدی‌راد»، برنامه‌نویس و فعال در حوزه باری‌های

رایانه‌ای درباره کمک‌های مالی ساختارها در این زمینه می‌گوید:

همگرا اتفاق خوبی برای من به عنوان بازی‌ساز و برنامه‌ریز نبود.

با توجه به اینکه چندین بار هم به درخواست‌کننده همگرا، قبل

از شروع کار گفت که بعید می‌دانم چیزی از فیلتر دولت به ما

برسد ولی آن‌ها اصرار داشتند که حتماً حمایت وجود دارد. همگرا

به درد کسانی می‌خورد که هزینه صرف بازی می‌کنند و سرمایه

دارند. نه کسانی که دانش بازی سازی دارند و بازی می‌سازند.

چون همگرا مالی بیمه یک درصدی از مخارج بازی سازی را

پرداخت می‌کند ولی من شخص حقیقی خودم بازی می‌سازم و

سرمایه ندارم که بخواهم خرج کنم و همگرا درصدی را پرداخت

کند. بهتر بود همگرا مستقیم به بازی سازهای فعال پول پرداخت

می‌کرد که استودیوها زنده بمانند و بازی بسازند. ولی مثل تمام

عملکردهای بد دولت بنیاد حتی نمی‌تواند بازی سازهای ایرانی

را شناسایی کند تا اگر کمکی بتواند بکند اشتباهاً رانت به وجود

نیاید. کلمه اشتباه را گفتم که تهمت نباشد.

۲۹۱۸

شماره ۲۹۱۸

اخبار

اعلام سازوکار لغو احتمالی برنامه‌های سفر گردشگران

معاون گردشگری وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی طی بخشنامه‌ای به ادارات کل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان‌های کشور، سازوکار لغو احتمالی برنامه‌های سفر گردشگران را اعلام کرد. به گفته روابط‌عمومی معاونت گردشگری وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی «ولی تیموری» در بخش‌نامه ابلاغی به مدیران کل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی اعلام کرد: رعایت حقوق مردم و حفظ امنیت و آرامش روانی جامعه بویژه گردشگران، همواره در زمره اولویت‌های اصلی صنعت گردشگری بوده و خوشبختانه فعالان این صنعت و مدیران تأسیسات گردشگری با رعایت اخلاق حرفه‌ای، رضایت‌مندی مسافران و گردشگران را بر سایر ملزومات رجحان می‌دهند.

وی افزود: در همین راستا با توجه به شرایط خاص روزهای اخیر، ضمن تأکید بر رعایت الزامات «دستورالعمل پیشگیری و کنترل شیوع ویروس کرونا در تأسیسات گردشگری» به شماره ۷۸۳۷۹/۰۷۸۳۴۰۰ مورخ ۹۸/۱۲/۰۴ و به منظور رعایت حقوق متقابل مردم، فعالان و تأسیسات گردشگری در چارچوب بند یک ماده ۱۳ تصویب‌نامه حقوق شهروندی، مفاد قرارداد گشت‌های داخلی و خروجی و ماده ۱۲ شیوه‌نامه اجرایی ذخیره اتاق و ابطال آن در واحدهای اقامتی، چنانچه از تاریخ اول اسفندماه سالجاری تا اطلاع ثانوی، گردشگری درخواست انصراف از سفر کند، کلیه تأسیسات گردشگری و دفاتر خدمات مسافرتی و گردشگری بدون هیچ گونه جریمه‌ای نسبت به استرداد وجوه دریافتی از گردشگران اقدام می‌کنند.

معاون گردشگری در ادامه بخشنامه مذکور فرآیند کنسلی بلیت‌های سفر را تابع قوانین و مقررات ابلاغی از سوی دستگاه ذیربط (وزارت راه و شهرسازی) اعلام و تأکید کرد: با توجه به عدم امکان پیش‌بینی دامنۀ تأثیرات و آثار شرایط موجود، لازم است فعالان و مدیران تأسیسات گردشگری از ایجاد هرگونه تعهد الزام‌آور برای سفرهای نوروزی هموطنان عزیز خودداری کرده، ضمن اطلاع‌رسانی و توجیه دقیق شرایط حاکم در مبدا و مقصد سفر، تمهیدات لازم را برای اعمال هرگونه کنسلی احتمالی و بازپس‌گرداندن وجوه گردشگران در قراردادهای کاری خود با ارائه‌کنندگان خدمات گردشگری در داخل و خارج از کشور، مدنظر قرار دهند.

معاون گردشگری در پایان در اطلاع‌رسانی موضوع به نحو شایسته، به کلیه تأسیسات گردشگری و دفاتر خدمات مسافرتی و گردشگری تحت پوشش در آن استان را در دستور کار ادارات کل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی قرار داد.

«سرباز کوچک امام» به چاپ ۸۳ رسید؛ خطر تجاری‌سازی ادبیات پایداری

معاون پژوهش و انتشارات پیام آزادگان از عرضه چاپ هشتادوسوم کتاب «سرباز کوچک امام» خبر داد.فرزانه قلعه‌قوند معاون پژوهش و انتشارات پیام آزادگان گفت: کمیت چاپ کتاب در سال‌های گذشته فعالیت موسسه انتشارات پیام آزادگان فراز و فرودهایی داشته

است به‌طوری‌که در بعضی سال‌ها در نشر کتاب سرعت بیشتری داشته‌ایم و برخی سال‌ها هم تعداد کتاب‌هایی که چاپ شده‌اند، زیاد نبوده است.وی یکی از دلایل این فرازوفرد را توجه

مقدس دانست و گفت: سعی کرده‌ایم توجه‌ای عادلانه به همه اردوگاه‌ها داشته و به‌همین دلیل تلاش شد خاطرات مربوط به تمامی اردوگاه‌ها

به‌صورت متوازن بررسی، نگارش و چاپ شود. دلیل دوم هم کنترل تمام فرایندهای زنجیره

ارزش محصول کتاب است. معاونت پژوهش، تمامی فعالیت‌های نشر کتاب اعم از ویراستاری،

صفحه‌آرایی، توزیع و غیره را خود انجام می‌دهد

می‌شود تا گاهی انتشار کتاب‌ها با مشکلاتی

مواجهه شود. ما برای حمایت از نویسندگان

آزاده، به سمت انتشار خاطرات خودنگاشت

آزادگان رفته‌ایم. در برخی موارد به نقل‌قلمان

نیز اعتماد شده و از ظرفیت آن‌ها در نگارش

کتاب‌های حوزه اسارت استفاده شده است.معاهده

پژوهش و انتشارات پیام آزادگان در ادامه گفت:

برای نمایشگاه کتاب پیش‌رو که بناسبت بهار

سال ۹۹ برگزار شود، ۶ کتاب جدید داریم. تاریخ

شغاهی «در فضیضه تا زندان الرشید» با پژوهش و

نگارش سیدحسین ولی‌پور زرومی، «هفت‌خوان»

با پژوهش و نگارش فرزانه قلعه‌قوند، «استحان

سخت»، با نگارش سیداحمد قشعی، «همد

ی‌دو» با پژوهش و نگارش یوسف بدرالدین،

«دور از چشم صلیب» با نگارش مسعود قربانی

و کتاب پژوهشی «اسیران جنگ تحمیلی»

با پژوهش و نگارش فتح‌الله پرتو از جمله

این‌کتاب‌ها هستند. مستند «سرود اردوگاهی»

به‌کوشش سیدرسول عمادی، «آموزش عربی در

اسارت» به کوشش آزاده دکتر علیم‌پور، «لغابی

اسارت» خاطرات خودنگاشت سیدجمال‌الدین

زهرایی آزاده اردوگاه‌های رمادی و الانبار و

خاطرات خودنگاشت آزاده اردوگاه ۱۱، رحمان

سلطانی معروف به محمد سلطانی هم از جمله

کتاب‌های در‌دست نگارش و آماده‌سازی پیام

آزادگان هستند.

قلعه‌قوند گفت: کتاب «سرباز کوچک

امام(ره)» هم از جمله آثار پیام آزادگان است

که خاطرات مهدی طمانیان را شامل می‌شود و

تا پیش از تقریب مقام معظم رهبری، ۶ بار چاپ

شد و به‌دزتگی به چاپ هشتادوسوم رسیده است.

به‌نظرم اتفاقی که برای این‌کتاب افتاد، نشان

می‌دهد انتشارات خصوصی پتانسیل و توانایی

بالایی را رقابت با نشران دولتی دارند و باید

اجازه داده شود این رقابت در محیطی سالم

شکل بگیرد.